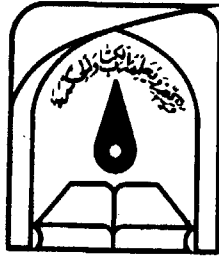


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٢٧٣١٩



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری فلسفه (گرایش منطق)

قضایای تحلیلی و تألیفی

از دیدگاه پوزیتیویسم منطقی و کواپن

مهدی دشت بزرگی

4524

استاد راهنما:

دکتر محمد لگنهاوزن

استادان مشاور:

دکتر احمد احمدی

دکتر لطف الله نبوی

پاییز ۱۳۷۸

۲۷۳۱۹

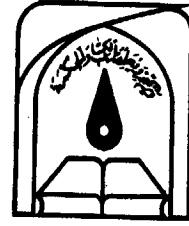


تاییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

۱۶ / ۱۰ / ۱۳۷۸

اعضاء هیئت داوران نسخه نهایی رساله آقای مهدی دشت بزرگی تحت عنوان فضایی تحلیل و تألفی از دیدگاه پوزیتیویسم منطقی و کواپن را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

اعضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضا هیئت داوران
	استاد	دکتر محمد لگنهاوزن	۱- استاد راهنما
	استاد	دکتر احمد احمدی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر لطف الله نبوی	۳- استاد مشاور
	دانشیار	دکتر غلامرضا اعوانی	۴- استاد ناظر
	استادیار	دکتر محمود خاتمی	۵- استاد ناظر
	استادیار	دکتر شاپور اعتماد	۶- استاد ناظر
	استادیار	دکتر سید محمد علی حجتی	۷- استاد ناظر
	استادیار	دکتر لطف الله نبوی	۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به این که چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز نشر دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه رساله دکتری نگارنده در رشته است که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای و مشاورین جناب آقایان دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های نشریات دانشگاه تعداد یک در صد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب مهدی دشت بزرگی دانشجوی رشته فلسفه مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مهدی دشت بزرگی

تاریخ و امضاء:

تقديم به

همسر شكيبا و فداكارم

تشکر و قدردانی

بر خود واجب می‌دانم از زحمات استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر محمد لگنهاوزن که در دو سال گذشته از هیچ کمکی در حق من دریغ نکردند، تشکر و قدردانی کنم.

استادان محترم مشاور، جناب آقای دکتر احمدی، مدیر گروه فلسفه و آقای دکتر نبوی جانشین مدیر گروه، با وجود مشغله‌های فراوان، در بسیاری موارد راهگشای من بوده و در امور تحصیلی و پژوهشی مرا یاری کرده‌اند؛ از آنها صمیمانه تشکر می‌کنم.

همچنین از استادان گرامی، آقایان دکتر حمید وحید، دکتر علی پایا، دکتر شاپور اعتماد، دکتر محمود خاتمی، دکتر مایکل مک‌گی و آقای جان ویلیامسون تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همسر صبور و مهربانم در طول مدت تحصیل و اجرای این تحقیق، گرفتاریهای بسیاری تحمل کردند. از ایشان نیز سپاسگزارم.
از خداوند متعال برای همه آن عزیزان توفیق و سربلندی آرزو می‌کنم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	کلیات
۷	بیان مسأله
۷	سوالات تحقیق
۸	سوابق مربوطه
۸	فرضیات
۹	اهداف
۱۰	بخش اول: تاریخچه تمایز تحلیلی / تألیفی
۱۱	۱-۱ لایب نیتس
۱۶	۱-۲ هیوم
۱۷	۱-۲-۱ انطباعات و تصورات
۱۸	۱-۲-۲ نسبتهای بین تصورات و امور واقع
۲۱	۱-۳ کانت
۲۲	۱-۳-۱ تمایز مقدم بر تجربه / مؤخر از تجربه
۲۴	۱-۳-۲ کانت و تمایز تحلیلی / تألیفی
۲۶	۱-۳-۳ کانت و فضایای تألیفی مقدم بر تجربه
۳۳	۱-۳-۴ نقدهای مطرح شده بر صورتبندیهای کانت

۳۹	بخش دوم: تمایز تحلیلی / تألیفی در فلسفه رودلف کارنپ
۴۰	۱-۲ معرفی جنبش پوزیتیویسم منطقی
۵۳	۲-۲ کارنپ و تحلیل زبان
۵۷	۱-۲-۲ نحو
۵۸	۲-۲-۲ سمانتیک
۶۵	۳-۲ رد مفهوم تألیفی مقدم بر تجربه کانت
۷۲	۴-۲ تمایز تحلیلی / تألیفی در زبان مشاهداتی مصنوعی به شکل غیر صوری
۷۸	۵-۲ توضیح تحلیلیت در زبانی ساختگی به شکل صوری
۸۴	۶-۲ معیار تجربی برای تحلیلیت
۸۶	۱-۶-۲ تحلیل معنا در پراگماتیک و سمانتیک
۸۹	۲-۶-۲ تعیین مصادیق
۹۱	۳-۶-۲ تعیین معانی
۹۶	۴-۶-۲ تعاریف «معنا»، «ترادف» و «تحلیلیت»
۱۰۰	۷-۲ معرفت شناسی کارنپ و مسأله تحلیلیت
۱۰۲	۱-۷-۲ تجربه و شهود، مبنایی برای توجیه باورها
۱۰۵	۲-۷-۲ تعاریف ضمنی
۱۱۵	بخش سوم: تمایز تحلیلی / تألیفی در فلسفه کواين
۱۱۶	۱-۳ مقدمه
۱۱۶	۱-۱-۳ کواين و اصالت تجربه
۱۲۰	۲-۱-۳ ترفناری - طبیعی زبان
۱۲۱	۱-۲-۱-۳ نظریه رفتاری فراگیری زبان
۱۲۲	۲-۲-۱-۳ نظریه رفتاری معنای زبان

۱۲۶	۲-۳ کواین در مرحله قبل از «دو اصل جزمی تجربه گرایی»
۱۴۰	۳-۳ استدلالهای کواین در ردّ تمایز تحلیلی / تألیفی
۱۴۲	۱-۳-۳ دوری بودن تعاریف قضیه تحلیلی
۱۴۸	۲-۳-۳ قضیه تحلیلی در زبانهای ساختگی
۱۵۰	۴-۳ تحویل گرایی و برخی تحولات اصالت تجربه
۱۵۲	۱-۴-۳ تغییر وجه نظر از مفاهیم به لغات
۱۵۳	۲-۴-۳ چرخش تمرکز سمانتیکی از لغات به جملات
۱۵۷	۵-۳ کل گرایی
۱۶۰	۱-۵-۳ هیچ قضیه‌ای مصون از بازنگری نیست
۱۶۴	۲-۵-۳ استدلالها و نتایج کل گرایی
۱۶۷	۶-۳ تحلیلی بودن و عدم قطعیت ترجمه
۱۶۷	۱-۶-۳ بیان نظریه
۱۷۰	۲-۶-۳ استدلالهای کواین در اثبات عدم قطعیت ترجمه
۱۷۲	۳-۶-۳ برخی نتایج ترجمه عدم قطعیت ترجمه
۱۷۴	۷-۳ برخی انتقادهای مطرح بر دیدگاههای کواین
۱۷۴	۱-۷-۳ گرایس و استراوسون
۱۷۸	۱-۱-۷-۳ تبیین تحلیلیت
۱۸۱	۲-۷-۳ هیلاری پاتنم
۱۸۷	بخش چهارم: مقایسه دیدگاههای کارنپ و کواین
۱۸۸	۱-۴ تبیین تحلیلیت
۱۹۶	۲-۴ معرفت شناسی
۲۰۴	نتیجه
۲۰۹	منابع
۲۱۴	چکیده انگلیسی

چکیده

این رساله دارای چهار بخش است؛ در بخش اول به اختصار از پیشینه تمایز تحلیلی / تألیفی بحث شده است. لایب نیتس دو نوع حقیقت را از هم متمایز می‌کند؛ حقیقت عقلی و حقیقت واقعی؛ اما شارحان افکار او این تمایز را که با تمایز مصطلح تحلیلی / تألیفی منطبق است، با فلسفه او چندان سازگار نمی‌دانند و معتقدند که در نظام فلسفی لایب نیتس، تمام قضایا، تحلیلی و ضروری اند که البته سخنی پذیرفتنی نیست. در اندیشه‌های هیوم، نسبت‌های میان تصورات (معلومات بدیهی عقلی) و امور واقع (معلومات تجربی مربوط به عالم خارج) مطرح می‌شود که با قضایای تحلیلی و تألیفی منطبق است. کانت، از اولین فیلسوفانی است که به طور صریح از تمایز تحلیلی / تألیفی صورت‌بندی نسبتاً دقیقی ارائه داد. با طرح اشکالات مربوط به صورت‌بندی کانت، بخش اول به پایان می‌رسد. بخش دوم با معرفی پوزیتیویسم منطقی آغاز می‌شود. سه اصل بنیادی این جنبش عبارتند از: واحد کردن علوم تجربی، حذف مابعدالطبیعه سنتی و نظریه معنی داری. بر اساس نظریه معنی داری، تمام قضایای معتبر و با معنی یا تحلیلی‌اند و یا تألیفی؛ در کنار این اصل، اصل دیگری به نام تحویل‌گرایی قرار دارد که مطابق آن، قضایای تألیفی، قضایایی هستند که هر یک دارای قلمرو واحدی از تجارب تأیید کننده یا ابطال کننده هستند. از میان پوزیتیویست‌های منطقی، رودلف کارنپ، بیش از همه به تبیین تمایز تحلیلی / تألیفی می‌پردازد. او با اذعان به وجود این تمایز در زبانهای طبیعی، برای تبیین آن از یک زبان ساختگی استفاده می‌کند. کارنپ تلاش می‌کند تا در یک نظام زبانی، به طور صوری و غیر صوری و بر اساس «اصول موضوعه معنایی» مفهوم تحلیلی و تمایز آن از مفهوم تألیفی را بیان کند، حتی در زبان طبیعی نیز از طریق موجه نشان دادن مفهوم «معنا» سعی می‌کند از مترادف و تحلیلیت تعریفی ارائه دهد. مفهوم تحلیلیت در مرکز معرفت‌شناسی کارنپ قرار دارد. او اکتسیوم‌های اساسی نظریه معرفت را به عنوان تعاریف ضمنی لحاظ می‌کند.

بخش سوم به بیان استدلال‌های کواین در رد تمایز تحلیلی / تألیفی اختصاص دارد. دوری بودن تعاریف قضیه تحلیلی، عدم کفایت تبیین تحلیلیت در زبانهای ساختگی و رد تمایز مذکور بر اساس تز کل‌گرایی از جمله استدلال‌های کواین است. علاوه بر تز کل‌گرایی، دو تز دیگر او، یکی تز رفتاری - طبیعی زبان و دیگری تز عدم قطعیت ترجمه، تمایز تحلیلی / تألیفی را ابطال می‌کند. در بخش چهارم، در دو محور تبیین تحلیلیت و معرفت‌شناسی، اندیشه‌های کارنپ و کواین مقایسه شده است؛ و در پایان از اندیشه‌های کواین در نقض آراء کارنپ جانبداری شده است.

مقدمه

بحث از قضایای تحلیلی و تألیفی، بحث تازه‌ای نیست. ریشه آن را در اندیشه‌های فیلسوفان عصر رنسانس به بعد می‌توان پیدا کرد؛ اگرچه آنها تبیین‌های متفاوتی از تمایز تحلیلی / تألیفی ارائه دادند، اما همه در اهمیت آن در فلسفه، بویژه در معرفت‌شناسی، تأکید داشتند. تا قبل از ظهور مکتب پوزیتیویسم منطقی، فیلسوفان تمایز یاد شده را در زبانهای طبیعی توضیح می‌دادند؛ با پیشرفت تحقیقات مربوط به زبان، و تحلیلهای متفاوت از آن، مشکل تبیین دقیق تمایز تحلیلی / تألیفی در زبانهای طبیعی آشکار گردید؛ بدین دلیل، کسانی چون کارنپ تلاش فراوانی کردند تا در عین وفاداری به اصل تمایز در زبان، آن را در یک زبان ساختگی دقیق تبیین کنند. اما، آیا می‌توان قضیه تحلیلی و تمایز آن را از قضیه تألیفی در چنین زبانی به طور دقیق تبیین کرد؟ آیا تعاریف موجود از آن قضایا خرسند کننده‌اند؟ با فرض قبول تمایز تحلیلی / تألیفی، نقش و اهمیت آن در معرفت‌شناسی چیست؟ پاسخ این پرسشها و امثال آنها را می‌توان در اندیشه‌های کارنپ و کواین پیدا کرد و ما در این رساله تا حد امکان، آنها را بررسی کرده‌ایم. چهارچوب کار ما در این رساله عقاید این دو فیلسوف معاصر است. تأثیر آراء این دو بر اندیشه فلسفی و منطقی معاصر بر کسی پوشیده نیست. هر دو فیلسوف از اصحاب اصالت تجربه‌اند و هر دو، معرفت‌شناسی را در مرکز مباحث فلسفی خود قرار داده‌اند؛ اما کارنپ به مفهوم تحلیلی بودن به عنوان مفهومی اساسی در معرفت‌شناسی می‌نگرد و کواین چنین مفهومی را کاملاً نامعقول و مهمل می‌داند. استدلالها و توضیحهای آنها را در این مورد، در جای خود مورد بحث قرار می‌دهیم. آنچه را در این رساله بیان کرده‌ایم، خلاصه‌وار از نظر می‌گذرانیم.

در بخش اول، به پیشینه تمایز تحلیلی / تألیفی می‌پردازیم؛ از میان فیلسوفانی که می‌توان بحث از تمایز یاد شده را در آثارشان پیدا کرد، لایب‌نیتس و هیوم است. در فلسفه لایب‌نیتس، بحث تمایز تحلیلی / تألیفی به صورت آشکار مطرح نشده است؛ او از طرفی دو نوع حقیقت را از هم متمایز می‌کند؛ حقایق عقلی و حقایق واقعی. تعاریفی که

لایب‌نیتس از این حقایق ارائه می‌دهد، با تعاریف فضایی تحلیلی و تألیفی که از زمان کانت به بعد رایج گشت، مطابقت دارد. اما از طرف دیگر، شارحان و مفسران لایب‌نیتس تقسیم ذکر شده از حقایق را در فلسفه وی چندان جدی نگرفتند و معتقدند که لایب‌نیتس با توجه به صورتبندیهای مختلفی که از قضایا ارائه کرده بر آن است که تمام قضایا تحلیلی اند. او بیان می‌کند که در هر قضیه‌ای محمول مندرج در موضوع است و اگر بتوان مفهوم موضوع را به طور کامل معلوم کرد، آنگاه محمول نیز که جزئی از موضوع است آشکار می‌گردد. به اعتقاد لایب‌نیتس، اسناد اوصاف موضوع به موضوع همه ضروری‌اند و با نفی آنها دچار تناقض می‌شویم. او با استفاده از همین ملاک اصل تناقض، تمام قضایا را تحلیلی می‌داند. بنابراین، تمایز معمول تحلیلی / تألیفی با فلسفه لایب‌نیتس و تقسیم‌بندی‌هایی که او از قضیه ارائه می‌کند سازگار نیست؛ زیرا همچنانکه خواهیم دید، در فلسفه او، قضیه تألیفی و ممکن، هیچ جایگاهی ندارد.

اما در فلسفه دیوید هیوم، بحث تمایز مورد بحث، آشکارتر مطرح می‌شود. او دو اصطلاح «تحلیلی» و «تألیفی» را به کار گرفت، و به جای آنها از نسبت‌های بین تصورات و نسبت‌های بین امور واقع استفاده کرد، اما این اختلاف عبارت چندان مهم نبوده و به راحتی می‌توان دریافت که قضایای حاکی از نسبت‌های تصورات و امور واقع با قضایای تحلیلی و تألیفی مطابقت دارند. در نگرش او، نسبت‌های بین تصورات، آن دسته از معلومات ما هستند که به طور عقلی دارای بداهت بوده، نتیجتاً یقینی‌اند و امور واقع، همان امور ممکن‌اند که ضروری و یقینی نیستند، بلکه خلاف آنها امکانپذیر است. هیوم براساس همین دیدگاه ابراز کرد که مطالب کتابهایی که نه درباره ریاضیات باشند و نه امور واقع، سزاوار آتش‌اند. خواهیم دید که پوزیتیویست‌های منطقی تحت تأثیر این اعتقاد هیوم، قضایایی را که نه تحلیلی باشند و نه تألیفی، بی‌معنی و مهم‌لقم‌داد کردند.

در فلسفه کانت، تمایز تحلیلی / تألیفی با تمایز دیگری به نام تمایز مقدم بر تجربه / مؤخر از تجربه که بیشتر به صورت تمایزی معرفتی بیان شده، مطرح می‌شود. مراد از

معرفت مقدم بر تجربه و معیارها و ویژگیهای آن و همچنین تمایز آن از معرفت مؤخر از تجربه در انتهای بخش اول توضیح داده خواهد شد. همچنین صورتبندی دقیق کانت از تمایز تحلیلی / تألیفی و انطباق آن با تمایز مقدم بر تجربه و مؤخر از تجربه و بحث حصول احکام تألیفی مقدم بر تجربه و شناسایی قلمرو آن احکام مورد بحث قرار می‌گیرند. در پایان، شش انتقاد از آراء کانت مطرح خواهد شد و با آنها بخش اول ما به پایان می‌رسد.

بخش دوم ما با معرفی جنبش پوزیتیویسم منطقی آغاز می‌شود؛ جنبشی که اصول بنیادیش عبارتند از واحد کردن علوم تجربی، حذف مابعدالطبیعه سنتی و ارائه نظریه‌ای از معنی داری بر اساس تجربه حسی. به تأثیرات ویتگنشتاین بر اصحاب حلقه وین، اشاراتی خواهیم کرد که از جمله موارد بسیار مهم، ابتدای صدق قضایای منطقی بر ساختار منطقی و معنای ترمهای مندرج در آن قضایاست. نظریه معنی داری آنها را با دو اصل بیان خواهیم کرد: یکی اصل تحقیق‌پذیری است که بر اساس آن، صدق یا کذب هر قضیه‌ی ممکن را باید بتوان از طریق تجربه تعیین کرد. اصل دیگر تحلیلی بودن قضایای منطقی و ریاضی است. پوزیتیویستهای منطقی بر اساس این دو اصل نظریه معنی داری، تمام قضایای بامعنا را به دو دسته تقسیم می‌کنند: قضایای تحلیلی و قضایای تألیفی؛ و هر قضیه‌ای را که در این تقسیم‌بندی قرار نگیرد بی معنی اعلام می‌کنند. در کنار بحث تمایز تحلیلی / تألیفی، اصل تحویل‌گرایی قرار دارد که بر اساس آن، قضایای تألیفی معنی دار، قضایایی هستند که درباره تجربه مستقیم ترجمه‌پذیر باشند. هم اصل تمایز مذکور و هم اصل تحویل‌گرایی در بخش سوم، مورد نقد قرار می‌گیرند و به قول کواین سست‌بنیادی آنها آشکار می‌گردد. استدلالهای کواین در عکس‌العمل به آراء بزرگترین پوزیتیویست، یعنی رودلف کارنپ مطرح شده است؛ بدین خاطر، ما در ادامه بحث در بخش دوم، عقاید کارنپ را در مورد مسائل مربوط به تمایز تحلیلی / تألیفی بیان می‌کنیم. بحث تحلیل زبان و تبیین سه عامل پراگماتیک، نحو و سمانتیک درباره آن، به عنوان درآمدی است بر تمایز تحلیلی / تألیفی در زبان طبیعی و مصنوعی. قبل از آن دیدگاه کارنپ را در مورد منشأ اشتباه کانت

در خصوص فضایای تألیفی مقدم بر تجربه مورد بحث قرار می‌دهیم. اما از مهمترین مباحثی که کارنپ مطرح می‌کند، تبیین تمایز تحلیلی / تألیفی در زبان طبیعی و ساختگی صوری است. او همانند منطقدانان دیگر، ابهام زبان طبیعی را تصدیق می‌کند؛ و اظهار می‌دارد که به دلیل این ابهام نمی‌توان فضایای تحلیلی و تألیفی را به طور دقیق در زبان طبیعی تعیین کرد، بنابراین، باید تمایز یاد شده را در یک نظام زبانی ساختگی که دارای قواعد سمانتیکی دقیق باشد، تبیین کرد. خواهیم دید که تمایز فضایای تحلیلی از تألیفی براساس آنچه که کارنپ «اصول موضوعه معنایی» می‌نامد، صورت می‌گیرد: چنین اصولی روابط معنایی واژه‌های توصیفی به کار رفته در جملات را در یک زبان ساختگی آشکار می‌کنند؛ پس از توضیح تمایز تحلیلی / تألیفی در زبان ساختگی به شکل غیرصوری، آنگاه همین توضیح را به شکل صوری بیان خواهیم کرد. بحث بعدی ما دیدگاه کارنپ در مورد معیار تجربی برای مفهوم تحلیلیت است که وی آن را از طریق موجه نشان مفهوم معنا نشان می‌دهد. بحث تحلیل معنا در پراگماتیک و سمانتیک و نیز تعیین معانی واژه‌ها و محمولات براساس مشاهدات رفتار زبانی، در این قسمت مورد تحلیل قرار می‌گیرند. همچنین تعاریف مترادف و تحلیلیت پس از تعریف دقیق مفهوم معنا ارائه می‌گردد. آخرین تلاش کارنپ در این قسمت این است که برای یک جمله تحلیلی، فرضیه‌ای تجربی ذکر کند که بوسیله مشاهدات رفتار زبانی قابل مشاهده باشد.

بخش دوم با بیان نظریه معرفت کارنپ به پایان می‌رسد. مفهوم تحلیلیت در مرکز نظریه کارنپ از معرفت قرار دارد. او در معرفت‌شناسی خود به دنبال توجیه باورهای بنیادی است که همراه با تجربه برای توجیه بقیه باورها کافی باشند؛ و به جای توسل به شهود، اکسیومهای اساسی را به عنوان تعاریف ضمنی لحاظ می‌کند. با نتایج معرفت‌شناسی کارنپ بخش دوم به پایان می‌رسد.

در بخش سوم، تمایز تحلیلی / تألیفی در تفکر کواپن، مورد بحث قرار می‌گیرد. در مقدمه این بخش، یکی از مهمترین نظریات کواپن، یعنی تزر رفتاری - طبیعی زبان مطرح

می‌شود؛ در چهارچوب دیدگاه کواین در مورد زبان، اصالت تجربه و معرفت‌شناسی او وضوح پیدا می‌کند. در تز کواین در مورد زبان، معانی و همچنین دلالت الفاظ بر مدلولها قطعیت خود را از دست می‌دهند و بر همین اساس، دلیل ردّ مفاهیمی چون معنا، مترادف و تحلیل‌یت در اندیشه کواین، به طور دقیق روشن می‌شود. قبل از بیان استدلالهای کواین در ابطال تمایز تحلیلی / تألیفی، تفکر او را در مرحله قبل از «دو اصل جزمی» بررسی می‌کنیم؛ این قسمت از بحث، بیشتر ارزش تاریخی دارد و در واقع مدخلی برای ورود به نقض و ردّ دو اصل جزمی پوزیتیویستهای منطقی است؛ دوری بودن تعاریف قضیه تحلیلی، عدم کفایت تلاشهای انجام شده در حوزه زبانهای ساختگی برای بیان تمایز تحلیلی / تألیفی و بالاخره رد تمایز مذکور بر اساس تز کل‌گرایی، استدلالهای کواین را تشکیل می‌دهند.

پیش از بحث مهم تز کل‌گرایی، اصل جزمی دوّم، تحویل‌گرایی و برخی تحولات اصالت تجربه از قرن هفدهم تا عصر حاضر مورد بحث قرار می‌گیرد. دیدگاه کواین در مورد تغییرپذیری ارزش جملات، استدلالها و نتایج کل‌گرایی که همه در ذیل تز کل‌گرایی مطرح می‌شوند، از مهمترین مباحث در بخش سوم به شمار می‌آیند. پس از کل‌گرایی، یکی دیگر از مشهورترین و جنجال برانگیزترین نظریه‌ها در تفکر قرن بیستم، یعنی تز عدم قطعیت ترجمه را مطرح می‌کنیم و ارتباط آن را با تمایز تحلیلی / تألیفی مطرح می‌نماییم. در حقیقت، هم تز عدم قطعیت ترجمه و هم تمایز تحلیلی / تألیفی در رهیافت کواین به مسأله معنا ریشه دارند. پس از این قسمت به برخی از انتقادهای مطرح شده در تفکر معاصر در خصوص دیدگاههای کواین اشاره خواهیم کرد.

بخش چهارم به مقایسه دیدگاههای کارنپ و کواین اختصاص دارد. این مقایسه در دو محور اصلی صورت می‌گیرد: یکی تبیین مفهوم تحلیل‌یت است و دیگری معرفت‌شناسی. وجه اشتراک هر دو فیلسوف در تبیین تحلیل‌یت این است که نمی‌توان قضیه تحلیلی و تمایز آن را از قضیه تألیفی، به طور دقیق، در زبانهای طبیعی توضیح داد. اما اختلاف آنها از اینجا شروع می‌شود که کارنپ به تمایز مذکور در زبانهای ساختگی اعتقاد